

فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش

شماره ۴۰، زمستان ۱۳۹۸، ویژه علوم سیاسی

چالش‌های امنیتی و نظامی در دولت اسلامی و راه‌کارهای برون‌رفت از آن

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۱۶

تاریخ تأیید: ۹۸/۱۱/۱۸

زهرا اسدی پیری*

چکیده

امنیت به معنای تأمین آرامش و طمأنینه لازم توسط حاکمیت یک کشور برای شهروندان قلمرو خویش می‌باشد که ابعاد مختلفی دارد. تهدید، نتیجه نبود امنیت است و هر عاملی که بتواند باعث بروز حادثه‌ای خطرناک شود، تهدید امنیتی محسوب می‌شود. تهدیدهای امنیتی ملی به تهدیدهای سخت، نیمه سخت و نرم تقسیم شده است. طبقه‌بندی تهدیدها، بیشتر در تبیین راهبرد جنگ نرم غرب در مقابله با نظام جمهوری اسلامی بر اساس ضرورت‌های کشور ساخته شده است. بیشتر کارشناسان نظامی، امنیتی و فرهنگی دهه اول انقلاب اسلامی را دهه تهدیدهای امنیتی (نیمه سخت) و نظامی (سخت) و آغاز دهه سوم را هم‌زمان با دهه شکل‌گیری تهدیدهای فرهنگی - اجتماعی (تهدیدهای نرم) معرفی می‌کنند.

در چالش‌های امنیتی - نظامی، تهدیدهای امنیتی ملی سخت به این معنا که برخورد فیزیکی از بیرون با نظام سیاسی صورت گیرد که با حمله نظامی، بمب‌گذاری و گروگان‌گیری محقق می‌شود. دولت اسلامی راهکاری که برای این نوع تهدید ارائه می‌دهد، تشکیل همکاری پویا و پایدار بین‌المللی در راستای مقابله با تروریسم جهانی است. دومین چالش امنیتی، تهدید نرم است که با ایجاد تغییرات در نظام ارزش‌های اجتماعی، روحیه ملی و حتی هویت ملی به‌منظور تغییر در ساختار سیاسی صورت می‌گیرد. تهدید نرم مستقیماً متوجه ساختار سیاسی نیست، ولی تغییراتی را در نظام ارزش‌های اجتماعی و روحیه و منش ملی ایجاد می‌کند. وظیفه دولت اسلامی برای مقابله‌ی با این نوع چالش، راهکار مقاومت در عرصه‌های نظامی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، فناوری، دیپلماسی و همچنین مقابله‌به‌مثل و تشکیل

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته فقه سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع).

نهاد موازی برای جلوگیری از این نوع تهدید است. در اصل مقابله به مثل در دولت اسلامی باید موارد مصلحت عمومی، عزت، استقلال دولت اسلامی و همچنین آمادگی و قدرت دفاعی را مدنظر قرار داد.

واژه‌های کلیدی: تهدیدات سخت، تهدیدات نرم، تروریسم، مقاومت، دولت اسلامی، مقابله به مثل.



مقدمه

در این نوشتار؛ تهدیدات به اعتبار روش و اعمال پیامد تهدید، بررسی خواهد شد. تهدیدات در دو نوع سخت و نرم، تبیین شده است. نگارنده تلاش نموده تا ویژگی‌ها، هدف‌ها، ابزار، روش و پیامد این دو نوع تهدید و تهدیدهای سخت از قبیل حمله نظامی، بمب‌گذاری و گروگان‌گیری و در تهدیدات نرم به تصویب قطعنامه اشاره نماید.

مقام معظم رهبری درباره امنیت مردم در دولت اسلامی و نیاز اعمال قدرت از طرف

حکومت می‌فرماید:

«امنیت موضوع مهمی است و نقش آن در زندگی اجتماعی، نقش بسیار بالایی است. آحاد ملت برای اینکه بتوانند در محیط کسب‌وکار و فعالیت اجتماعی و زندگی خصوصی، کار صحیح خود را انجام دهند و حتی به عبادت خدا بادل آرام و خاطر جمع مشغول باشند، محتاج امنیت‌اند. برای تأمین این نیاز عمومی، لازم است که از طرف حاکمیت، اعمال قدرت شود. حکومت اسلامی که مظهر قدرت الهی و قدرت مردم در جامعه است، باید با اقتدار، این خواسته عمومی انسان‌ها را تأمین کند. چون کسانی که امنیت مردم را مختل می‌کنند آدم‌های ضعیفی نیستند بلکه قداره‌بندها، اسلحه‌کش‌ها و تروریست‌ها هستند.» (پروینی،

۱۳۸۸، ج ۶، ص ۹۶۱)

(۱) تهدیدات امنیتی سخت

تهدید سخت، برخورد فیزیکی از بیرون با نظام سیاسی است که به صورت مستقیم ساختار سیاسی را هدف و تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. تهدید سخت، ساختار سیاسی را از

بیرون تحت الشعاع قرار می‌دهد. تعبیر مقام معظم رهبری در مورد تهدیدات سخت این است:

«در جنگ سخت، جسم‌ها به خاک و خون کشیده می‌شود، ولی روح‌ها پرواز می‌کنند و می‌روند به بهشت؛ اما در جنگ نرم، اگر خدای نکرده دشمن غلبه بکند، جسم‌ها پرواز می‌شوند و سالم می‌مانند، ولی روح‌ها می‌روند به قعر جهنم؛ فرقی این است؛ لذا این خیلی خطرناک‌تر است.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با بسیجیان ۹۵/۹/۳)

به تهدیدات ناشی از به کار رفتن سلاح، تهدید سخت گفته می‌شود. (اسکندری، ۱۳۹۰، ج ۶ ص ۹) تهدیدات سخت بر دو نوع است:

(۱) سلاح‌های متعارف؛ (۲) سلاح‌های غیرمتعارف

به‌طورکلی هر سلاحی که دشمن قادر باشد، در جنگ‌های محدود از آن به‌راحتی بهره‌برداری کند، سلاح متعارف و در غیر این صورت غیرمتعارف است. (اسکندری، ۱۳۹۰، ج ۶ ص ۱۴)

تهدیدات سخت در سلاح‌های متعارف

حمله نظامی

طبیعت انسان، صلح را بر جنگ و خشونت ترجیح می‌دهد، آدمی جنگ و نزاع را نمی‌پسندد و صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگران را بر جنگ ترجیح می‌دهد. آنچه که به‌عنوان یک تهدید واقعی و ملموس برای بقا ارزیابی می‌شود حمله فیزیکی یا نظامی است. حمله نظامی این ویژگی را دارد که همه عناصر تشکیل‌دهنده کشور را مورد تهدید قرار می‌دهد. (مرادیان، ۱۳۸۸، ص ۲۷۵) یکی از تهدیدات علیه دولت اسلامی، حمله نظامی است. به خاطر ستیز با مسلمانان و بیرون کردن آن‌ها از شهر و دیارشان است که

کشورهایی علیه کشور دیگر اقدام به حمله نظامی می‌کنند و قبل از حمله نظامی سعی در تضعیف آن دولت و حکومت را خواهند داشت؛ بنابراین با تحریم‌های طولانی و سخت که گاهی به تصویب شورای امنیت می‌رسد، تحت فشار قرار می‌دهد تا بتواند توان و قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی را تضعیف کند و شرایط را برای یک حمله موفقیت‌آمیز فراهم سازد. در زمان حاضر در صورت انجام چنین اقدامی نیاز به پشت سر گذاردن مواردی است از جمله:

تأییدیه و مجوز از شورای امنیت سازمان ملل متحد دارد.

علاوه بر محدودیت‌های بین‌المللی که پیش روی دیپلماسی کشورهای مختلف در مقابل دولت اسلامی است، قطعاً برخی از کشورهای جهان نیز با آن مخالفت خواهند کرد. (قاسمی، پائیز و زمستان ۸۶، ش ۱۳-۱۴، ص ۱۶۰)

حمله نظامی به دولت اسلامی با مشکلاتی روبه‌رو هست. از جمله این‌که:

حمله نظامی به یک دولت به‌خصوص دولت اسلامی این معضل را در پی خواهد داشت که آن دولت از تمام ظرفیت‌های نظامی و غیرنظامی خود برای مقابله استفاده خواهد کرد و در این جنگ دولت کاملاً مجاز است که از تمام توانش برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی خود و حفظ جان و حیثیت شهروندان خود استفاده کند.

یکی دیگر از مشکلات حمله نظامی به دولت اسلامی، افزایش حس انزجار کشورهای منطقه و مسلمان جهان از غربی‌ها است که بالطبع موجب مقصر دانستن غرب و احساس همدردی با دولت اسلامی خواهد شد و در نتیجه تمام تبلیغات علیه آن دولت بی‌اثر خواهد شد. قبل از هر حمله‌ای، کشور متجاوز، باید مطمئن شود که آ دولت با کشورهای عضو شورای امنیت متحد نمی‌شود. در غیر این صورت نتیجه تمام تلاش‌های کشور متجاوز عاید این دو کشور خواهد شد و به‌طور ناخواسته دولت مورد تعدی را به یک کشور متحد با

رقیبان و دشمنان آن دولت تبدیل کرده است. (قاسمی، پائیز و زمستان ۸۶، ش ۱۳-۱۴، ص ۱۶۱)

حمله نظامی به دولت اسلامی مانند ایران به یکی از دو روش زیر امکان پذیر است: یک حالت آن این است که یک جنگ کوتاه مدت با حمله هوایی به مراکز مهم و استراتژیک و تأسیسات اتمی داشته باشد که چنین نبردی با این مشخصات علاوه بر مشکلات گفته شده به دلیل ابعاد کم آن، نتیجه مورد نظر را نخواهد داشت و عوارض روانی این حمله موجب سقوط و یا حتی تضعیف نظام اسلامی هم نخواهد شد بلکه موجب اتحاد و انسجام بیشتر مردم و اقتدار زیادتر نظام اسلامی خواهد شد. ایران هم از لحاظ توان نظامی و هم توان علمی، فناوری و اقتصادی خود را بالا کشیده است و قدرت مبارزه و مقابله با حمله نظامی را دارد. حالت دوم حمله نظامی غرب به ایران شامل حمله هوایی و زمینی و احتمالاً دریایی خواهد بود که خود این نوع حمله مشکلات عدیده‌ای مانند نامشخص بودن زمان اتمام جنگ، احتمال همراهی و همکاری شیعیان عراق با ایران، اتحاد استراتژیک و نظامی ایران با روسیه و چین، تزلزل حجم بالایی از اقتصاد جهانی، سقوط بازار بورس و سرمایه، کاهش ارزش دلار، اختلال در جریان انرژی را به همراه خواهد داشت. در صورت عدم دستیابی آمریکا به اهدافش در زمان معین و اطاله جنگ برخلاف منافع آمریکا و غرب قطعاً مقام ابرقدرتی آمریکا در جهان تهدید خواهد شد. (قاسمی، پائیز و زمستان ۸۶، ش ۱۳-۱۴، ص ۱۶۲)

بمب گذاری

گاهی تهدیدات سخت، از طریق بمب گذاری صورت می گیرد، به این صورت که فرد تروریست به قصد ایجاد ترس در مردم جامعه اسلامی، در منطقه‌ای خاص که از لحاظ جمعیت، افراد زیادی در آن منطقه سکونت دارند، در محل عبور افراد زیادی از جامعه‌ای که قصد تخریب روحی یا روانی داشته باشد، اقدام به بمب گذاری می کند. این اقدام ممکن

است به‌قصد ایجاد ترس صورت بگیرد ولی عواقب دیگری را نیز ممکن است در پی داشته باشد. به‌طور مثال ترس ناشی از این اقدام، باعث از بین رفتن حمایت افراد جامعه از دولت حاکم بر منطقه شود یا باعث هرج‌ومرج در جامعه می‌شود. بر اساس ماده ۱ متن ۵ ماده‌ای که در اجلاس چهارم (پاریس ۳۰ - ۲۷ دسامبر ۱۹۳۱) به تصویب رسید، تروریسم به‌عنوان یک جرم به‌شرط ذیل تعریف گردید: «هرکس به‌قصد ارباب و هراساندن مردم از بمب، مین، وسایل آتش‌زا، منفجره، سلاح گرم یا دیگر وسایل تخریب‌کننده و مهلک، علیه افراد یا اموال استفاده کند ... به‌عنوان مرتکب جرم تروریسم شناخته می‌شود». (زرافشان، بهار و تابستان ۱۳۹۶، ش ۳۶، ص ۷۳)

گروگان‌گیری

آزادی تن از جمله حقوق اولیه انسان است که در تمامی نظام‌های حقوقی و اندیشه‌های سیاسی مورد پذیرش و احترام قرار گرفته و برای نقض آن ضمانت اجرایی کیفری شدید، پیش‌بینی شده است. از جمله جرائمی که علاوه بر تعرض به آزادی جسمانی اشخاص، باعث صدمات شدید جسمی و روحی به آنان می‌شود، گروگان‌گیری است. این جرم نه‌تنها از جنبه داخلی، بلکه از جنبه فراملی نیز می‌تواند امنیت کشورها و حتی جامعه جهانی را با مخاطرات جدی روبه‌رو سازد. گرچه از زمان‌های بسیار دور، توسل به این اقدام برای دستیابی به برخی اهداف نامشروع مورد توجه مرتکبان این جرم قرار داشته است، لیکن در عصر حاضر با گسترش باندهای بین‌المللی و تشکیل گروه‌های تروریستی برای ارتکاب جرائم، این اقدام به‌عنوان وسیله‌ای مؤثر و کارآمد در اختیار این قبیل گروه‌ها قرار گرفته است. گروگان‌گیری ممکن است در دو سطح، انجام شود، نخست در سطح داخلی مانند به گروگان گرفتن افراد جهت اخاذی یا آدم‌ربایی پس از ارتکاب سرقت یا جنایت علیه افراد که این اقدام ممکن است صرفاً به خاطر اخذ تأمین از پلیس و گریز از مهلکه باشد. دوم در سطح بین‌المللی مانند به گروگان گرفتن اتباع

کشورهای خارجی که معمول با انگیزه سیاسی یا برای تحت فشار گذاردن دولت‌ها به منظور آزاد ساختن زندانیان آن‌ها انجام می‌شود. پس گروهان‌گیری اعم از آدم‌ربایی است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ص ۳۰۷۳)

۱ - ۱) راهکارهای دولت اسلامی برای مقابله با تهدیدات سخت

شورای امنیت کلیه اقدامات گروهان‌گیری را به‌عنوان مصادیق تروریسم بین‌المللی دانسته و آن را محکوم نموده است، اما شورای امنیت به مسئله تروریسم به‌عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی، توجه جدی دارد. شورای امنیت با محور قرار دادن مسئله تروریسم، آن را به‌عنوان «جدی‌ترین تهدید برای صلح و امنیت بین‌المللی» در قرن بیست و یکم معرفی کرده است، امری که تاکنون در رویه شورای امنیت در برخورد با سایر تهدیدات بی‌سابقه است. شورای امنیت سازمان ملل متحد در چارچوب اختیاراتش و بر اساس وظیفه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، غالباً به‌صورت موردی و بعضاً به شکل کلی و عام و در جایگاه قانون‌گذار بین‌المللی به شناسایی موقعیت‌های عینی تهدیدکننده یا نقض‌کننده صلح و امنیت بین‌المللی پرداخته و ترتیباتی را برای مقابله با آن اتخاذ کرده است. (زرافشان، بهار و تابستان ۱۳۹۶، ش ۳۶، صص ۶۵-۶۸) اعمال تروریستی در همه کشورها باید جرم شناخته شود. در این راستا باید آیین‌های دادرسی کیفری را بازبینی و اصلاح کرد. باید صلاحیت سرزمینی دادگاه‌ها حتی زمانی که حملات تروریستی به دست غیر اتباع و خارج از موطن آن‌ها انجام شده با سهولت بیشتری به رسمیت شناخته شود. نهایتاً باید تروریست‌ها بازداشت، محاکمه و مجازات و در غیر این صورت مسترد گردند. در تشریح تروریسم آمده است: «هرکس به‌قصد ارباب و هراساندن مردم از بمب، مین، وسایل آتش‌زا، منفجره، سلاح گرم یا دیگر وسایل تخریب‌کننده و مهلک، علیه افراد یا اموال استفاده کند و یا به ایجاد یا شیوع بیماری‌های مسری انسانی، حیوانی یا دیگر امراض مبادرت نماید یا درصدد ایجاد و شیوع آن باشد و نیز مرتکب هرگونه تلاشی

در جهت اخلال در خدمات دولتی یا عام‌المنفعه شود ... به‌عنوان مرتکب جرم تروریسم شناخته می‌شود.» (زرافشان، بهار و تابستان ۱۳۹۶، ش ۳۶، ص ۷۲-۷۳)

یکی از وظایف نخبگان و فرهیختگان حافظ استقلال و آزادی و عزت اسلام و مسلمانان، مقابله با تروریسم است (واعظی، تهران، ۱۳۸۱، ص ۲۹۸) در این راستا سه راهبرد اساسی وجود دارد که با توجه و عمل به آن‌ها بتوانند با تروریسم مقابله کنند.

تلاش و همکاری بین‌المللی و منطقه‌ای در این راستا که گروه‌های ناراضی به سمت تروریسم حرکت نکنند. کشورهای اسلامی به‌عنوان یک بازیگر مهم در منطقه، نیازمند همکاری در ایجاد هنجارها، حقوق بشر و ارتباطات است. کشورهای اسلامی با اعتقاد باینکه سازمان ملل متحد نقش کلیدی در قوانین ضد تروریستی دارد باید همکاری خود را با ارائه طرح و نظر با این سازمان گسترش دهند و با استفاده از نظر صاحب‌نظران، حقوقدانان و دانشگاهیان نقش مهمی را در بررسی موقعیت فعلی قراردادهای بین‌المللی داشته باشند. (عبدالله، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۲۷۸)

قطع رابطه با گروه‌ها و اشخاصی که از تروریسم به‌عنوان ابزاری برای نیل به اهداف خود استفاده کنند. وزارت امور خارجه کشورهای اسلامی در اعلانات عمومی خود در سطح بین‌المللی، پیام روشن و اصولی کشورها را مبنی بر تقبیح و عدم پذیرش و مقبولیت اعمال تروریستی را منعکس کند که این رسالت بزرگ بر عهده وزیران امور خارجه به‌ویژه سخنگوی آن است. تشکیل همکاری پویا و پایدار بین‌المللی در راستای مقابله با تروریسم؛ باید کشورهای اسلامی بر نقش سازمان ملل متحد به‌ویژه کمیته ضد تروریستی آن از طرف دولت‌های اسلامی تأکید نمایند. این کمیته نقش اساسی و مهمی در تعیین معیارها و ابزارهای مقابله با تروریسم را دارد. یکی از رسالت‌های مهم آن ارائه قوانین الگو برای کشورهای عضو برای مواجهه با تروریسم است که دولت اسلامی هم می‌تواند در ارائه این

الگو به خصوص در زمینه جلوگیری از گسترش سلاح‌های کشتار جمعی نقش بسزایی داشته باشد. (عبدالله، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۲۷۹)

۲) تهدیدات امنیتی نرم

تهدید نرم، ایجاد تغییرات در نظام ارزش‌های اجتماعی، روحیه ملی و حتی گاهی هویت ملی به منظور تغییر در ساختار سیاسی است. تهدید نرم مستقیماً متوجه ساختار سیاسی نیست ولی تغییراتی را در نظام ارزش‌های اجتماعی و روحیه و منش ملی ایجاد می‌کند که آن تغییرات می‌تواند سرانجام به تغییر در ساختار سیاسی منتهی شود. تعبیر مقام معظم رهبری در مورد تهدیدات نرم این گونه است:

«ما دو نوع تخاصم در رویارویی با دشمن داریم که اگر این مخاصمه در قالب ابزارهای فیزیکی خشن صورت بگیرد، می‌شود جنگ سخت؛ اما اگر با هر ابزار دیگر صورت بگیرد آنجا می‌توانیم جنگ نرم بنامیم. تهدید اقتصادی، تحریم، تهاجم فرهنگی، تهاجم دیپلماتیک، تهاجم سیاسی داخلی و غیره همه جلوه‌هایی از جنگ نرم هستند. به عنوان مثال جمهوری اسلامی سی سال است که با دشمن در حال جنگ و رویارویی می‌باشد. دشمنان از هر وسیله‌ای که می‌توانستند برای ضربه زدن استفاده کردند. از انواع کودتاهای پارس، نقاب، نوژه تا اقدامات تجزیه طلبانه و جنگ تحمیلی هشت ساله، تهاجم فرهنگی و تحریم اقتصادی استفاده کرده‌اند. در این میان این تهاجم وقتی موفق می‌شود که شما مدافع نداشته باشید. اشکال این است که در این مدت، ما مدافع جدی و تعریف شده‌ای نداشته‌ایم و دشمن توانسته است در برخی موارد وارد شده و بر پیکره انقلاب ضرباتی را وارد نماید و ما در عوض از دشمن گلایه کرده‌ایم. در عرصه جنگ سخت هم همین است. تربیت ارتش و نیروهای مسلح باهدف مقابله با تهاجم نظامی دشمن صورت می‌گیرد. اگر ملتی ارتش نظامی برای دفاع نداشته باشد آیا منطقی است که از تهاجم آن شکایت کند؟ خصلت

دشمن تهاجم است و گله از او در منطق جنگ معنا ندارد. از سویی ما با دشمنانی مواجهیم که در دشمنی با ما تمام‌عیار حاضر شده‌اند و از تمام توان برای نابودی و ضربه زدن به انقلاب اسلامی بهره می‌گیرند. به همین دلیل ما باید استراتژی دفاعی دقیقی طراحی کنیم تا بتواند بازدارندگی در مقابل تهاجم و تهدید داشته باشد. بازدارندگی جنگ نرم و سخت ندارد. وقتی ما بتوانیم رزمایش سیاسی، فرهنگی، اقتصادی برگزار نماییم. «ترهبون به عدو الله و عدو کم» اتفاق می‌افتد. ولی برای این امر «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَعْطَمْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» را باید داشته باشیم، قوای اصلی در تهدید نرم قوای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با بسیجیان ۹۵/۳/۶)

تهدید نرم نوعی سلطه در ابعاد سه‌گانه حکومت، اقتصاد و فرهنگ است که از طریق استحاله الگوهای رفتاری در این حوزه‌ها ایجاد شده و نمادها و الگوهای نظام سلطه جایگزین آن‌ها می‌شود. با این نگرش، تمامی تحولات که هدف‌های آن و ارزش‌های حیاتی یک نظام سیاسی را به خطر می‌اندازد و باعث ایجاد تغییر و دگرگونی اساسی در عوامل تعیین‌کننده هویت ملی و دینی یک کشور شود، تهدید نرم است. در این تهدید بدون منازعه و لشکرکشی فیزیکی کشور مهاجم ارده خود را بر یک ملت تحمیل و آن را در ابعاد گوناگون با روش‌های نرم‌افزاری اجرا می‌کند. تغییرات حاصل از آن درونی، آرام، ذهنی و تدریجی است. این تهدید همراه با آرامش و خالی از روش‌های فیزیکی و با استفاده از ابزارهای تبلیغات رسانه‌ها، احزاب، تشکل‌های صنعتی و قشری و به شیوه القا و اغناء انجام پذیرد. عمده‌ترین هدف در تهدید نرم تأثیرگذاری بر انتخابات و کنترل فرایند تصمیم‌گیری و شیوه اطلاع‌رسانی و تغییر در نظام ارزش‌هاست که منجر به استیلای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی آن‌ها می‌شود. بدین صورت است که مهاجم فرهنگی سعی می‌کند با استفاده از برتری اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و فن‌آوری به مبانی اندیشه و رفتار یک ملت هجوم آورد و با تغییر الگوهای رفتاری تعریف را تضعیف، نفی و طرد کند. عرصه‌های تهدید همان عرصه فرهنگی و سیاسی و اجتماعی است.

تهدیدهای فرهنگی که به‌عنوان تهاجم فرهنگی یاد می‌شود به دنبال ایجاد انواع بحران‌های سیاسی و فرهنگی در جامعه جهت دستیابی به اهداف و اغراض سیاسی است و تلاش می‌شود ملتی که دارای آرمان است، خود را به دست خودش بی‌آرمان نماید. امروزه تهدید نرم؛ مؤثرترین، کارآمدترین و کم‌هزینه‌ترین و درعین‌حال خطرناک‌ترین و پیچیده‌ترین نوع جنگ علیه امنیت ملی کشور است. ابعاد این تهدید، بسیار گسترده و مخرب است و به روحیه ملت‌ها خدشه وارد کرده و باعث فروپاشی ملل می‌شود. تهدید نرم، ماهیتی فرهنگی دارد و مهاجم با پیام‌هایی که می‌دهد تلاش می‌کند تا جامعه موردنظر خود را در راستای اهدافش تغییر جهت دهد. دشمن برای ایجاد تهدید نرم از راهکارهای متفاوتی استفاده می‌کند. از جمله:

جهالت نسبت به دین، انقلاب، هویت خودی، به داشته‌ها و امکانات، نبود آگاهی و حضور جهل ضربه زیادی به ما می‌زند.

حاکمیت حساس راهکار بعدی دشمن است. برخی رفتارها احساسی آن‌هم به معنای غیرعقلانی است. عدم جاری بودن کامل عقلانیت در رفتارهای اجتماعی و تصمیم‌گیری‌های مختلف در تمام سطوح موجب ضربه خوردن از دشمن می‌شود. حاکمیت غرایز مثل شهوت، حرص، حسد و رفاه‌طلبی، ضعف بنیه اقتصادی، علمی که نوعی وابستگی را به همراه می‌آورد. حال برای جلوگیری از موفقیت دشمن در این جنگ باید راه‌های رخنه دشمن را پوشاند.

ما باید در قدم اول موتور محرک داشته تا بتوانیم مدافع نظام باشیم. متأسفانه کسانی هستند در کشور که جوانان ما را جدی نمی‌گیرند و موردتوجه قرار نمی‌دهند. ما باید فضا را برای فعالیت بازکنیم و با استقامت و رشادت در عرصه جنگ نرم مقابله نمود. (سه‌شنبه ۱۶ بهمن ۱۳۹۷ <https://www.tebyan.net>) علت اصلی توجه امام خمینی (ره) به آمریکا این بود که متوجه شده بودند که سیاست خارجی آمریکا به‌طور روزافزون تهاجمی‌تر

شده و به‌جای منافع، دنبال مطامع غیر مشروع، حتی به قیمت جنگ‌افروزی است و اگر این معنا مورد توجه ملل مختلف قرار نگیرد، آینده بشریت از ناحیه امریکا آینده تاریکی خواهد بود. با پیروزی انقلاب نیز امریکا همواره در صدد براندازی نظام نوپای اسلامی بود که بخش‌هایی از اسناد آن‌ها منتشر شده است. لذا امام قصد داشتند که همین سیاست جهان‌خوارگی امریکا را بشکنند و دست آن کشور را از ایران و تا حد مقدور از کشورهای اسلامی و جهان سوم کوتاه کنند. در این زمینه می‌توان گفت حتی در خارج از مرزها توفیق زیادی داشتند و بسیاری از ملل دنیا از آن بهره‌مند شدند؛ اما در مورد برقراری رابطه با آمریکا فرمودند:

«با امریکا روابط ایجاد نخواهیم کرد، مگر این‌که آدم بشود و از ظلم کردن دست بردارد و از آن‌طرف دنیا نیاید در لبنان و نخواهد دستش را به‌طرف خلیج فارس دراز کند. مادامی‌که امریکا این‌طور است و آفریقای جنوبی آن‌طور عمل می‌کند و اسرائیل هست، ما با آن‌ها نمی‌توانیم زندگی بکنیم...» (موسوی خمینی، ج ۱۹، ص ۹۵).

از این صحبت امام (ره) می‌توان پی به اهداف طمع‌کارانه آمریکا برد که با روش‌های مختلف از جمله قطعنامه‌های مختلف در صدد تسلط بر ایران است. به خاطر ماهیت ضدآمریکایی انقلاب اسلامی، کشورهای غربی به‌خصوص آمریکا در قالب گروه ۵+۱ با استفاده از نفوذ خود در شورای امنیت، صدور قطعنامه‌های تحریمی و ضد ایرانی را برای فشار بر ایران و محروم‌سازی کشور ایران از حقوق هسته‌ای را در پیش گرفته‌اند که موجب صدور چهار قطعنامه ضد ایرانی در شورای امنیت شده است. با اظهار نظر ۱۶ نهاد جاسوسی و اطلاعاتی آمریکا که اذعان داشته‌اند فعالیت‌های هسته‌ای ایران غیرنظامی است اما باز آمریکا در تلاش است که مانع پیشرفت و با اعمال فشار و تحریم در پی بازداشتن ایران از حق مسلم خود است و با سیاسی کردن موضوع هسته‌ای در پی محروم‌سازی کشورمان از حقوق هسته‌ای با استفاده از ابزارهای متعددی مثل تحریم،

تهدید به حمله نظامی یا بی‌ثبات‌سازی جمهوری اسلامی است تا از حق خود دست بکشد.
(قاسمی، پائیز و زمستان ۸۶، ش ۱۳-۱۴، ص ۱۵۰)

اهداف غربی‌ها از صدور قطعنامه‌های ضد ایرانی در شورای امنیت سازمان ملل
متحد:

(۱) کاهش توان اقتصادی، سیاسی و نظامی ایران.

(۲) تقویت موضع اپوزیسیون داخلی و خارجی ایران.

(۳) ایجاد جو تهدید و ارباب در منطقه.

(۴) تعلیق مناسبات و مبادلات ایران با قدرت‌های منطقه و احتمالاً کشورهای
توسعه‌یافته.

(۵) وادار کردن ایران به تسلیم شدن در مقابل نظام سلطه جهانی و پذیرش
صهیونیسم.

(۶) کاهش سرعت رشد فناوری هسته‌ای. (قاسمی، پائیز و زمستان ۸۶، ش ۱۳-۱۴،
ص ۵۹)

۲ - ۱) راه‌کارهای دولت اسلامی برای مقابله با تهدیدات نرم

دولت اسلامی برای مقابله با تهدیدات نرمی که از جانب مخالفان، بر جامعه تحمیل
می‌شود. پنج راهکار، در این زمینه تدبیر می‌کند. در ادامه سعی در تبیین این راه‌کارها شده
است.

۲ - ۱) مقاومت در عرصه نظامی با انتخاب استراتژی بازدارندگی

دولت اسلامی باید به‌صورت آشکار و صریح از جمله از طریق برگزاری رزمایش‌های
مختلف، نشان دهد که دولت اسلامی، آمادگی کامل دفاع از خاک میهن اسلامی را دارد.

مؤلفه نظامی بر حوزه نیروهای مسلح متمرکز است. (گروه مطالعاتی امنیت، ۱۳۸۷، ص ۲۹۲)

مقام معظم رهبری در سخنرانی خود خطاب به رئیس‌جمهور وقت درباره افزایش اقتدار در باب مسائل امنیتی فرمودند: «افزایش اقتدار دفاعی و امنیتی و انتظامی به‌منظور بازدارندگی و پاسخگویی مؤثر به تهدیدها و تأمین منافع ملی و امنیت عمومی و پشتیبانی از سیاست خارجی و گسترش صلح و ثبات و امنیت در منطقه با بهره‌گیری از همه امکانات را باید موردتوجه قرارداد.» (پروینی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۹۵۴)

۲-۲-۲) مقاومت در عرصه اقتصادی

امنیت در عرصه اقتصادی باید تأمین شود که بتوان کار اقتصادی کرد و به مرحله خودکفایی رسید. مقام معظم رهبری اشاره دارند که «امنیت اقتصادی باید طوری باشد که کار اقتصادی، حرکت اقتصادی، تلاش اقتصادی، رونق اقتصادی و سازندگی اقتصادی، امکان‌پذیر باشد و کسانی که اراده این کار را دارند با امنیت بتوانند این کار را انجام دهند.» (پروینی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۹۴۰) اگر امنیت اقتصادی در جامعه، وجود نداشته باشد، در نتیجه خودکفایی و عدم حمایت مردم و تورم باعث ایجاد عدم امنیت در سطح داخلی خواهد شد که این خود یک تهدید داخلی از جنبه اقتصادی خواهد بود؛ بنابراین باید دولت اسلامی تمام تلاش خود را برای رسیدن به توان اقتصادی بالا با کمک و حمایت مردم جامعه را داشته باشد. آمادگی کلیه دستگاه‌های دولت اسلامی برای گذر از دوره تحریم باید با برنامه‌ریزی صورت گیرد و مردم به توان برنامه‌ریزی دستگاه‌های اجرایی اطمینان یابند؛ و سطح درآمد ملی، تولید کالا و خدمات و تأثیر در بازار را موردتوجه قرار دهند. (گروه مطالعاتی امنیت، ۱۳۸۷، ص ۸۹)

۲-۲-۳) مقاومت در عرصه اجتماعی - فرهنگی

توجیه کامل مردم و توجه دادن آنان به این بحث که اساس قطعنامه برای تخریب روحیه و اعتماد ملی آنان است و قدرت فرهنگی را که توانایی یک ملت را برای توسعه و اشاعه ایده خود به سایر ملت‌ها و همچنین به منظور رقابت، برانگیختن تحسین ملت‌ها و به کار گرفتن نمادهای فرهنگی خود به‌ویژه زبان را به نحو احسن اعلان دارند.

۲-۲-۴) مقاومت در عرصه فن‌آوری

نشان دادن ظرفیت علمی و فنی کشور علی‌رغم آن که اصلی‌ترین هدف قطعنامه بر این بخش متمرکز است. اقتصاد جهانی وابسته به عرصه فناوری اطلاعات است که بخش‌های نظامی و امنیتی از طریق این فناوری در ابزار، شیوه‌ها و حتی اهداف خود تحول ایجاد کرده‌اند و شاخص‌ها و فضای فرهنگی و اجتماعی جهانی و ملی با فضای فناوری اطلاعات و ارتباطات درهم‌تنیده شده‌اند. (گروه مطالعاتی امنیت، ۱۳۸۷، ص ۲۸۰) مقام معظم رهبری درباره پیشرفت و کارایی آن در اسلام بیان می‌کنند: «جامعه‌هایی که در آن، پیشرفت علمی و عملی، پیشرفت فناوری و پیشرفت دنیایی مردم وجود داشته باشد؛ اسلام چنین جامعه‌ای را می‌پسندد. تشویق اسلام به علم و عمل و تلاش و فعالیت، از همین جهت است.» (پروینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۷۱)

۲-۲-۵) مقاومت در عرصه دیپلماسی

جمهوری اسلامی ایران باید نشان دهد که توان و ظرفیت حل و فصل مناقشه را از طریق دیپلماتیک دارد و این ظرفیت را دارد که علی‌رغم فشارهای شورای امنیت به‌عنوان یک کشور عضو NPT فعالیت‌های قانونی خود را ادامه دهد. (قاسمی، پائیز و زمستان ۸۶، ش ۱۳-۱۴، ص ۱۶۹) از طریق توافقات دوجانبه یا چندجانبه، مذاکرات با سایر ملل، ملل متحد، سازمان‌های بین‌المللی و غیردولتی تأثیرگذاری خود را بر موقعیت بین‌المللی نشان

دهد. (گروه مطالعاتی امنیت، ۱۳۸۷، ص ۸۹) قطعنامه ۱۳۷۳ مصوب ۲۰۰۱ شورای امنیت، قطعنامه‌ای مهم در جهت اهداف ضد تروریستی محسوب می‌شود که برای اجرا نیازمند همکاری اعضای جامعه بین‌المللی است که ایران هم با حفظ استقلال خود می‌تواند به‌طور مستقل با سازمان ملل همکاری کند و طرح‌ها و نظرات مثبتی که ضد تروریست و ضد امنیت ملی برای کشورهاست، ارائه دهد. (عبدالله خانی ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۲۸۳)

۲-۲-۶) مقابله به مثل (تشکیل نهاد موازی)

دو قسم از اقسام جهاد، جنگ دفاعی و جنگ قصاصی است. این دو قسم از جنگ‌ها اختصاص به گروه یا طایفه خاصی ندارد، مسلمان مکلف هستند با هر فرد یا گروهی که اندیشه هر نوع تجاوز دارد، اعم از تعدی به مقدسات دینی، عرض، ناموس، جان و مال و ... بجنگد و او را از این کار بازدارد. این نوع به جهاد دفاعی یا دفاع معروف است و اگر فرد یا گروهی تجاوز کرده، جهاد مسلمانان نوعی «مقابله به مثل» و «قصاص» است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۱۳۵)

مقابله به مثل از عوامل خروج دولت اسلامی از مقتضای صلح است. «پیمان شکنی» و «جنگ طلبی» است که اصل «صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز» را نقض می‌کند. دلیلی ندارد دولت اسلامی به قراردادهای خود با این افراد پایبند بماند. نه عقل چنین اجازه‌ای می‌دهد نه شرع؛ گرچه دولت اسلامی تا حد ممکن باید از جنگ و درگیری خودداری نماید اما در همزیستی در روابط، باید این اصل دوجانبه رعایت شود. این راهکار در اسلام با عنوان یک اصل فقهی مورد بررسی قرار گرفته است. اقتضای قاعده «مقابله به مثل» بر مماثلت و همانندی در مقابله با متجاوز است؛ در این قاعده فقهی برای دولت اسلامی این وظیفه وجود دارد که به حداقل‌ها اکتفا کند و در صورت لزوم به دفاع از حقوق خود و شهروندان عمل کند. در مقام عمل در این اصل، دولت اسلامی مجاز است اعمالی انجام دهد؛ مانند قتل نفس محترمه در جنگ در صورت ضرورت. البته اگر از راه‌های جایگزین

مانند حد، تعزیر، دیه و ارش نشود، حدود و تعزیرات را اجرا کرد. این اصل، در آیات قرآن و روایات و عقل مورد تأیید قرار گرفته است.

۲- ۲- ۶- ۱) حدود و گستره مقابله به مثل در دولت اسلامی

حق دفاع در مقابل هرگونه ظلم و تجاوز، امری است که در فطرت و سرشت انسانی وجود دارد و عقل به آن حکم می‌کند و ضمیر انسان نسبت به آن خشنود است و آن را می‌پذیرد. این گرایش هم در جنبه مثبت و هم در جنبه منفی آن در انسان با عناوین انتقام‌جویی و عدالت‌جویی توجیه می‌شود که در هنگام تجاوز برانگیخته می‌شود، نمونه‌های آن در جامعه بسیار است. (ورعی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۷) رفتار امام علی (ع) در جنگ جمل که از آن‌ها اسیر نگرفتند بر همین مطلب حکایت دارد. (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۷۶) بسیاری از آیات قرآن هم هستند که به‌طور صریح و تلویح دلالت دارند بر اینکه از نظر اسلام اصل مقابله به مثل و تلافی، اصلی است مقرر و پذیرفته شده و بر اساس همین اصل فرمان‌هایی صادر و احکامی وضع گردیده است.

۲- ۲- ۶- ۲) مقابله به مثل در اجرای قصاص

از جمله آیاتی که بر مشروعیت اصل مقابله به مثل در اجرای قصاص در اسلام دلالت دارد:

«الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (سوره بقره (۲)، آیه ۱۹۴)

ماه حرام در مقابل ماه حرام است و همه حرمت‌ها دارای قصاص‌اند. پس هر که بر شما تعدی کرد، شما هم به مثل آن بر او تعدی کنید و از خدا پروا نمایید و بدانید که خدا با پروا پیشگان است. مفسران دلالت قطعی این آیه را بر مقابله به مثل پذیرفته‌اند. علامه طباطبائی در معنی این آیه می‌فرماید: «سبب اینکه خداوند در ماه حرام قصاص قرار داده، این است

که اصول در حرمت قصاص را تشریح نموده است و ملاک قصاص در تمامی حرمت جواز مقابله به مثل که خداوند سبحان آن را تشریح فرموده است. (طباطبایی، ج ۲، ص ۶۳) هرچند که آیه به صورت مطلق آمده اما می‌توان آن را به این صورت مقید کرد که از محرمت مطلق در شرع مقدس اسلام نباشد. در چنین مواردی مطلق حمل بر مقید می‌شود. (مرتضی عاملی ۱۴۰۹ ق، ص ۱۷) درباره اصل مقابله به مثل در این آیه و عمومیت حکم آن آمده است که: (۱) اباحه جنگ در ماهه‌ای حرام با کسی که حرمت آن را رعایت نمی‌کند، اعم از اینکه از کسانی باشد که برای آن حرمت قائل است یا نه؛ زیرا هرگاه قتال با کسی که آن را حرام می‌داند، جایز باشد، قتال دیگران به طریق اولی جایز خواهد بود. (۲) جواز مقابله به مثل با محارب مبتدی زیرا خدا می‌فرماید: «الحرمت قصاص...» (مقداد سیوری ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۳۴۴) واژه «اعتدا» اشاره دارد بر اصل مقابله به مثل در کاری که ابتدا کردن به آن شرعاً حرام است، اما مقابله به مثل در همان کار حرام و ارتکاب همان کار به صورت عکس‌العملی در مقابل آن کس که تجاوز کرده و مرتکب آن کار شده است جایز می‌شمارد. (سوره نحل (۱۶)، آیه ۱۲۶ و ۱۲۷)

۲- ۲- ۶- ۳) مقابله به مثل در تجاوزها

بسیاری جواز مقابله به مثل در تجاوز را از همین آیه فهمیده‌اند.

در سوره نحل آمده است که: «وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ» (سوره نحل (۱۶)، آیه ۱۲۶ و ۱۲۷) اگر عقوبت می‌کنید، چنان عقوبت کنید که شمارا عقوبت کرده‌اند... و بر ایشان محزون مباش و از مکرشان دل‌تنگی مکن.

فخر رازی در این باره می‌گوید: «خداوند، در این آیه امر کرده است که مسلمانان آن گونه که مورد عقوبت قرار گرفته‌اند، عقوبت کنند و زیاده از آن کاری انجام ندهند. هرگاه

خواستید قصاص کنید، به مثل و مانند اکتفا کنید و بر آن چیزی نیفزایید» (فخر رازی، ج ۲۰، ص ۱۴۱ و ۱۴۲) مرحوم علامه طباطبایی (ره) در مورد این آیه می‌گویند: «از سیاق آیه برمی‌آید، خطابش به مسلمین است و لازمه‌اش این است که مراد به «مراقبت»، مجازات مشرکان و کافران باشد و مراد از جمله «عقوبتم به» عقابی باشد که کفار به مسلمانان کرده‌اند که چرا به خدا ایمان آورده‌اید؟ اگر خواستید کفار را به خاطر اینکه شمارا عقاب کرده‌اند، عقاب کنید، رعایت انصاف را بکنید و همان‌طور که آن‌ها شما را به خاطر ایمان و جهاد در راه خدا عذاب کرده‌اند، عذابشان کنید نه بیشتر». (طباطبایی، ج ۱۲، ص ۳۷۴) مقابله به مثل نوعی مجازات عادلانه، منطقی و دفاع مشروع محسوب می‌شود که طبق آیات می‌توان به اثبات آن اشاره کرد.

۲- ۲- ۶- ۴) مقابله به مثل در فقه و حقوق بین‌الملل اسلامی

در رابطه با دامنه فقهی و حقوقی اصل مقابله به مثل باید اذعان کرد که دامنه وسیعی دارد که در فقه و حقوق بین‌المللی (حقیقت، بی‌تا، ص ۵۰) اسلامی دارای اعتبار است. عملیات تلافی جویانه یا مقابله به مثل در تنظیم روابط میان دولت اسلامی با دولت‌های دیگر و بیان خطمشی حکومت اسلامی در سیاست خارجی نقش به‌سزایی دارد و یکی از قواعد عمده و رایج در حقوق بین‌الملل اسلامی است. موارد عملیات تلافی جویانه در حقوق بین‌الملل اسلام، سه بخش عمده دارد: (۱) عملیات تلافی جویانه در صلح و جنگ. (۲) عملیات تلافی جویانه در حد و حدود روابط با کفار در زمان صلح. (۳) عملیات تلافی جویانه در تجاوزهای جنگی.

عملیات تلافی جویانه زمانی که حجیتش از کلمات فقها استنباط شود، به چند دلیل می‌توان مقابله به مثل را به روابط بین‌الملل نیز سرایت داد. نخست این است که همان‌طور که مقابله به مثل در تجاوزهای فردی و داخلی معتبر است، در تجاوزهای خارجی و بین‌المللی نیز معتبر خواهد بود. دوم: بنا بر اولویت اثبات مقابله به مثل در باب روابط

بین‌الملل نیز ثابت خواهد شد و جهت این اولویت اشتراط تکافؤ است که فقها به آن اشاره کرده‌اند؛ و مورد اتفاق و اجماع فقها می‌باشد. چنان‌که ابوالصلاح حلبی می‌گوید: «و المسلمون الاحرار تتكافأ دماؤهم في القتل و الجراح و لا يقتص... و لا لذمی من مسلم و للمبطل من محق». (حلبی، ۱۴۰۳ ق، ص ۳۸۲)

اگر قصاص مسلم در برابر مسلم جایز است، ذمی را در قبال مسلم به‌طریق‌اولی می‌توان قصاص کرد و این اولویت را فقها تصریح کرده‌اند؛ بنابراین اگر قصاص و مقابله‌به‌مثل در داخل حکومت و بین مسلمان‌ها جاری است، به‌طریق‌اولی در ارتباط با خارج از حکومت و دیگران که از لحاظ دین و آیین متفاوت هستند نیز صدق می‌کند. در حقوق بین‌الملل گاهی دو ملت، دو گروه، دو ارتش، دو دولت، در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند که در این صورت مقابله‌به‌مثل، برد وسیعی خواهد داشت و خسارات مالی و جانی را به افراد وارد می‌کند که اگر این افراد خود متجاوزان باشند ادله شامل چنین تجاوزی می‌شود چراکه مقابله‌به‌مثل محقق شده است. اصولاً بیشتر ادله مقابله‌به‌مثل به موارد جمعی مربوط می‌شوند. (حسینی، صص ۱۳۰-۱۳۳)

و اصولاً دفاع مشروع که حقی شناخته‌شده است، خود بر مبنای مقابله‌به‌مثل است. از این‌رو سلب حق مقابله‌به‌مثل در بسیاری موارد به معنی نفی حق دفاع مشروع تلقی خواهد شد. (حمزه پور، ۱۳۹۰، ص ۱۸۸)

۲- ۲- ۵) چرایی اجرای مقابله‌به‌مثل در اسلام

اصل و هدف مقابله‌به‌مثل در اسلام شامل اقدامات بازدارنده و حکیمانه است که به هدف پیشگیری از تجاوز و کنترل انتقام‌جویی تجویز و تشریح شده است. از آنجایی‌که عملیات تلافی‌جویانه یا مقابله‌به‌مثل را می‌توان منشأ حیات مادی و حیات معنوی افراد و

جوامع پنداشت از جمله فلسفه و حکمت آن را می‌توان نخست در پیشگیری از تجاوز و دوم کنترل انتقام‌جویی دانست.

پیشگیری از تجاوز: این اصل با دادن حق تلافی و مقابله‌به‌مثل به متجاوز علیه، رعب و وحشتی در دل متجاوز ایجاد می‌کند که به‌آسانی به تجاوز دست نزنند، چراکه اگر عمل او در سطح داخلی و بین‌المللی محکوم است و به‌طرف مورد تجاوز، اجازه تلافی داده‌شده و در این صورت با یک بحران عمومی مواجه می‌شود. این اصل، ترس از تلافی را که یک محرک است برای پیشگیری از هر نوع تجاوز و قصاصی را در پی خواهد داشت. آنچه که موجب پیشگیری از تجاوز می‌شود، تهدید به مقابله‌به‌مثل و تلافی است چراکه با تهدید از وقوع تجاوز و جرم و به‌تبع آن از اجرای عملیات تلافی‌جویانه و تجاوز عکس‌عملی پیشگیری خواهد کرد. نقش تهدیدکنندگی تلافی و مقابله‌به‌مثل که جنبه پیشگیری دارد تأثیر بسزایی در امنیت و حیات مادی و معنوی دو طرف دارد چراکه تهدید و ترس یک عامل قوی در بین جوامع انسانی است که برای جلوگیری از جرم و جنایت نیازمند ترسی که متناسب با آن باشد می‌تواند کارآمد و مفید واقع شود. (حسینی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۷ و ۱۰۸)

کنترل انتقام‌جویی: در تمامی افراد و ملل، روح انتقام‌جویی به دلیل تجاوزهایی که علیه آن‌ها صورت گرفته وجود دارد حتی در افرادی که تمایلی به تجاوز ندارند وقتی مورد تجاوز دیگران قرار می‌گیرند، انگیزه انتقام و تجاوز و مقابله‌به‌مثل در آن‌ها پدیدار می‌شود و این تلافی را منافی با عدالت نمی‌دانند و روحیه عدالت‌خواهی هم قادر به بازداشتن آن‌ها از تجاوز نیست. این انتقام‌جویی تا جایی پیش می‌رود که به‌صورت زنجیروار موجب نابودی دو طرف یا یک‌طرف و اسارت می‌شود؛ اما با قاعده مقابله‌به‌مثل، تجاوزها در یک نقطه ختم می‌شوند. شارع با دادن اعتبار به این قاعده نمی‌خواهد روح انتقام‌گیری را تأیید کند

بلکه در پی این است که راهی را پیدا کند که از انتقام و تجاوزهای تسلسلی جلوگیری کند و مانع از ایجاد افسد شود. (حسینی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۸ و ۱۰۹)

۲- ۶- ۶ وظایف دولت اسلامی و اصل مقابله‌به‌مثل

با توجه به اینکه مقابله‌به‌مثل به تنظیم روابط اجتماعی و امنیت شهروندان یا به تنظیم روابط بین‌الملل و امنیت ملی مربوط می‌شود، به نظر می‌رسد که اجرای آن باید به دست حکومت و با اذن امام باشد و افراد نباید خودسرانه به اجرای آن پردازند. اگرچه برخی اذعان داشته‌اند که قصاص و مقابله‌به‌مثل مانند حقوق دیگر از قبیل حق فسخ است که استیفای آن نیازمند اذن امام نیست. باید توجه داشت که عمل خودسرانه در باب مقابله‌به‌مثل بسیار حساس است و هرج‌ومرجی که در جامعه به وجود می‌آورد، بیشتر از منفعت آن است. اجرای قصاص نیاز به یک قدرت عام و مقبول اجتماعی دارد، قدرتی که این جریان را ختم کند و نه آنکه منشأ پیدایش عکس‌العمل‌های بعدی شود و نیاز به قاضی و دادگستری و کارآگاه دارد تا با دقت به نزاع، فیصله و آرامش را به جامعه بازگرداند. (حسینی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۴ و ۱۲۵)

حضرت امام خمینی (ره) مقابله‌به‌مثل و ضربه متقابل را با تبیین هجوم متقابل در مقابل تعدی کفار به مملکت اسلامی می‌فرماید:

«قرآن شریف دستور داده است که اگر یک طایفه‌ای از مسلمین بر طایفه دیگر بغی کردند و تعدی کردند، بر همه مسلمین واجب است که بر ضد او قیام کنند. فرضاً از اینکه غیرمسلم بغی کند بر مسلم، اگر یک طایفه‌ای از کفار هجوم بیاورند به مملکت اسلامی، تکلیف همه مسلمین است که به او هجوم بیاورند و او را از صفحه روزگار نابود کنند». (موسوی خمینی، ج ۱۳، ص

مقام معظم رهبری نیز مقابله به مثل و ضربه متقابل را با اعلان دفاع همه جانبه در مقابل اعلان جنگ و نیز اقدام به دفاع و ضربه متقابل در مقابل اقدام به جنگ را تأکید فرموده اند:

«ما عناصر قدرت فراوانی داریم. این‌ها را باید حفظ کنیم و روزبه‌روز افزایش دهیم. ما ضعیف نیستیم، باید در مقابل تهدید آمادگی داشته باشیم. اگر نداریم، باید آمادگی ایجاد کنیم و اگر داریم، حفظ کنیم و افزایش دهیم. در مقابل اعلان جنگ دشمن، دفاع همه جانبه اعلان می‌کنیم و در مقابل اقدام دشمن به جنگ، به دفاع همه جانبه و ضربه متقابل اقدام خواهیم کرد.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی در تاریخ ۱۳۸۰/۱۲/۲۷)

بنابراین مانعی در سرکوبی دشمنان مشرک و نابود کردن آنان با انواع مختلف سلاح‌های ویرانگر، حتی ابزارهای کشتار جمعی وجود ندارد. همچنین مقابله به مثل با آنان در جنگ بلامانع است. جواز این عمل در اسلام دلالت دارد به اینکه یک حکم عقلی و فطری هست. اگر مشرکان، اسیران مسلمان و بازرگانان را سپر خویش قرار دهند، در صورتی که ضرورت ایجاب کند یا چنانچه پیروزی متوقف بر آن باشد، جایز است که مشرکان را مورد هجوم حملات کوبنده خویش قرار دهیم، هر چند به دیگران نیز آسیب وارد شود. آلوسی پیرامون کوبیدن مواضع دشمن با توپخانه و سایر ادوات جنگی می‌گوید:

«اگر با دشمنان مقابله به مثل نشود، مرضی مهلک و غیرقابل علاج، فراگیر خواهد شد و بلا و گرفتاری عمومیت خواهد یافت و همه زمین به دست اهل کفر و ضلالت خواهد افتاد. پس آنچه به نظر می‌رسد والعلم عندالله، اینکه: بر رهبران مسلمین و حامیان دین اسلام لازم است که با آن مقابله کنند.» (مرتضی عاملی، ۱۴۰۹ ق، ص ۶۹)

رعایت مصلحت عمومی

مهم‌ترین اصل در روابط بین کشورها، منافع ملی کشور است که سیاست‌ها و برنامه‌های خود را در تنظیم روابط خارجی بر پایه اصل مصالح عمومی قرار می‌دهند. اگر منافع ملی و مصلحت عامه اقتضا کند به روابط خصمانه خود با دولت‌ها پایان می‌دهند و روابط صلح‌آمیز برقرار می‌کنند. برخی از فقها معتقدند که اصولاً برخی امور که در شرایط مختلف زمانی و مکانی دچار دگرگونی می‌شوند و اقتضائات خاصی را می‌طلبند نمی‌توانند از جانب قانون‌گذار حکم ثابت و انعطاف‌ناپذیر داشته باشند. باید طبق نیازسنجی و مصلحت که تشخیص و اجرای آن از وظایف دولت اسلامی و حاکم است، صورت گیرد. (ورعی، ۱۳۹۰، صص ۱۲۵-۱۲۸)

در بیانات امام خمینی (ره) نیز تأکید زیادی بر رعایت مصالح عمومی گردیده است: «کسی که بر مسلمین و جامعه بشری حکومت دارد همیشه باید جهات عمومی و منافع عامه را در نظر گیرد». (موسوی خمینی، ج ۱۷، ص ۱۰۶) «حکومت‌ها باید بر طبق امیال و بر طبق مصالح ملت عمل کنند» (موسوی خمینی، ج ۱۵، ص ۲۲۹)

آیت‌الله مصباح یزدی نیز در توضیح این مطلب می‌گویند:

«ولی فقیه از آن‌رو که به احکام اسلامی آگاهی کامل دارد و مصالح جامعه را بهتر از دیگران می‌داند، می‌تواند اجرای برخی از احکام را برای حفظ مصالح مهم‌تر متوقف کند. در چنین مواردی، فقیه، حکم اسلامی دیگری را اجرا می‌نماید. در این صورت احکام اسلام عوض نشده است بلکه حکمی مهم‌تر بر مهم پیشی گرفته و این خود از احکام قطعی اسلام است». (نادری، ۱۳۷۹، صص

حفظ عزت و استقلال دولت اسلامی

عزت و کرامت و استقلال جامعه اسلامی، اصلی تغییرناپذیر و ثابت است. اگر بنای روابط دولت اسلامی مصلحت است، منظور مصلحتی است که با رعایت و حفظ عزت اسلامی است. دولت اسلامی مصلحتی را که مبتنی بر عدم حفظ کرامت و عزت جامعه اسلامی باشد را نمی‌پذیرد، اگر مصلحت در جنگ یا جهاد باشد اما عزت و استقلال مسلمانان در خطر باشد به طور قطعی آن جنگ و جهاد منحل خواهد شد. در فرهنگ اسلامی هیچ مسلمان، بلکه هیچ انسانی اجازه ندارد در برابر دیگران خود را خوار و ذلیل کند یا تن به ذلت و بردگی بدهد. مصلحتی که مبنای تصمیم‌گیری دولت اسلامی در روابط خارجی است، ضوابطی دارد که یکی از آن‌ها رعایت عزت و کرامت جامعه اسلامی است. دولت اسلامی نمی‌تواند به دلیل مصلحت، تن به صلح یا جنگی بدهد که ذلت و حقارت مردم، دستاورد نتیجه آن باشد؛ بنابراین می‌توان گفت مبنای روابط دولت اسلامی با دولت‌های دیگر، رعایت مصلحت اسلام و امت اسلامی است، اما حفظ عزت و کرامت مردم در تصمیم‌گیری‌ها و جنگ و صلح یک اصل تأثیرگذار و مهم است که نباید در نیازسنجی‌های مصلحت آن را نادیده گرفت. (ورعی، ۱۳۹۰، صص ۱۴۷-۱۵۱).

آمادگی و قدرت دفاعی

آمادگی و قدرت دفاعی یکی از اصول لازم و ضروری است که در جامعه اسلامی باید مورد توجه قرار بگیرد. جامعه اسلامی نباید جامعه ضعیف و ناتوان باشد و در برابر دشمن، قدرت دفاع و مقاومت نداشته باشد و در برابر فشار و تهاجم‌های مختلف سیاسی، نظامی و فرهنگی تسلیم شود. اسلام دین جهانی و همیشگی است و علاوه بر تنظیم روابط فردی بر روابط اجتماعی و سیاسی و تمام شئون مردم دستورالعمل دارد تا در پرتو آن سعادت اخروی انسان را تأمین کند پس پیروان خود را به کسب قدرت و ثروت می‌انگیزاند. امت

اسلامی برای دستیابی به اهداف و آرمان‌ها نیاز به تحصیل قدرت دارد که در صورت نیاز و مصلحت و بنا بر قاعده مقابله‌به‌مثل اگر مورد هجوم و تجاوز قرار گرفت علاوه بر دفاع، بتواند آن‌ها را از دست‌درازی‌های نامشروع، بازدارد. همه آیاتی (سوره انفال (۸)، آیه ۶۱) که مسلمانان را به جهاد فراخوانده و آن را یکی از تکالیف دینی می‌شمارند، دلیلی بر لزوم آمادگی و قدرتمندی دولت و جامعه اسلامی است. انجام تکالیف جهاد- اعم از جهاد دفاعی در برابر هجوم دشمن به جان، مال، سرزمین و دین مسلمانان یا جهاد ابتدایی برای نجات مظلومان و مستضعفان و رفع موانع دعوت به توحید و ارزش‌های انسانی و دینی بدون بهره‌مندی و برخوردارگی از مؤلفه‌های قدرت و اقتدار، امکان‌پذیر نیست. در مواقعی که مصلحت اسلام و مسلمانان در جهاد با دشمنان است، قاعداً باید توان و قدرت آن وجود داشته باشد و الا باید از دستیابی به این مصلحت صرف‌نظر کرد یا مفاصد جهاد نکردن را تحمل نمود و از انجام‌وظیفه بازماند. (ورعی، ۱۳۹۰، صص ۱۵۱-۱۵۶)

نتیجه‌گیری

از جمله تهدیدهای امنیت ملی، نخست تهدید سخت است که برخورد فیزیکی از بیرون یک نظام سیاسی است که به صورت مستقیم ساختار سیاسی را هدف و تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. تهدیدات سخت با حمله نظامی، بمب‌گذاری و گروگان‌گیری محقق می‌شود که دولت اسلامی، راهکار مقابله با این نوع تهدید را تشکیل همکاری پویا و پایدار بین‌المللی در راستای مقابله با تروریسم جهانی می‌داند. تهدید دیگر، تهدید نرم است که به دنبال ایجاد تغییرات در نظام ارزش‌های اجتماعی، روحیه ملی و حتی گاهی هویت ملی به منظور تغییر در ساختار سیاسی است. تهدید نرم مستقیماً متوجه ساختار سیاسی نیست ولی تغییراتی را در نظام ارزش‌های اجتماعی و روحیه و منش ملی ایجاد می‌کند که آن تغییرات سرانجام می‌تواند به تغییر در ساختار سیاسی منتهی شود. این نوع تهدید، نوعی سلطه در ابعاد سه‌گانه حکومت، اقتصاد و فرهنگ است که راهکار دولت اسلامی برای مقابله با این نوع چالش؛ مقاومت در عرصه‌های نظامی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، فناوری، دیپلماسی و همچنین مقابله به مثل و تشکیل نهاد موازی برای جلوگیری از این نوع تهدید می‌باشد. در اصل مقابله به مثل در دولت اسلامی باید به چند نکته توجه کرد که مصلحت عمومی، عزت و استقلال دولت اسلامی و همچنین آمادگی و قدرت دفاعی، مدنظر قرار داد.

فهرست منابع

۱. اسکندری، حمید، پدافند غیرعامل، تهران، بوستان حمید، ۱۳۹۰.
۲. پروینی، علی، قضاوت در آینه ولایت رسیدگی‌های قضایی، قم، نشر قضا، ۱۳۸۸.
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، میسوط در ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، تهران، ۱۳۷۸، چاپ اول.
۴. حسینی، سیدمحمد، علی‌اکبر، آسا، تحلیل عملیات تلافی‌جویانه در حقوق اسلامی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۹۰.
۵. حقیقت، صادق، مبانی، اصول و اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی، تهران، پژوهشکده علوم و فرهنگ اسلامی، بی‌تا.
۶. حمزه پور، علی، راهبرهای امنیتی سیاست‌های خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ایران، ۱۳۹۰.
۷. زرافشان، شهرام، شورای امنیت و تعهدات دولت‌ها برای مقابله با تروریسم، مجله حقوقی بین‌المللی، بهار و تابستان ۱۳۹۶، ش ۳۶.
۸. عبدالله خانی، علی، امنیت بین‌الملل (فرصت‌ها، تهدیدات و چالش‌های فراروی جمهوری اسلامی ایران)، تهران، انتشارات موسسه فرهنگ مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۴.
۹. قاسمی، مصطفی، سناریوی آینده غرب در مواجهه با فعالیت‌های هسته ایران، فصلنامه دین و سیاست، پائیز و زمستان ۸۶، ش ۱۳-۱۴.
۱۰. گروه مطالعاتی امنیت، تهدیدات قدرت ملی، تهران، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۸۷.
۱۱. فخر رازی، محمد بن عمر، تفسیر کبیر، مترجم علی‌اصغر حلبی، تهران، اسطوره، ۱۳۷۱.
۱۲. مرادیان، محسن، تهدید و امنیت، تهران، مرکز آموزشی و پژوهشی شهید سپهبد صیاد شیرازی، ۱۳۸۸.
۱۳. موسوی خمینی، روح‌الله، صحیفه امام، تهران، نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹.
۱۴. _____، صحیفه نور، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰.
۱۵. مصباح یزدی، محمدتقی، جنگ و جهاد در قرآن، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۴.
۱۶. مرتضی عاملی، سید جعفر، اصل مقابله‌به‌مثل در اسلام، مترجم (محمد سپهری) ناشر ال‌وکاله العالمیه للطباعه والنشر والتوزیع، بیروت-لبنان، ۱۴۰۹ ق.
۱۷. نادری، محمد مهدی، نگاهی گذرا به نظریه ولایت‌فقیه، (مباحث محمدتقی مصباح یزدی)، قم، مؤسسه امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
۱۸. واعظی، حسن، استراتژی سلطه، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۸۱.
۱۹. ورعی، سید جواد، بررسی فقهی اصل در روابط خارجی دولت اسلامی، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.

منابع عربی

۲۰. حر عاملی، محمد بن حسن بن علی، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۴ ق.
۲۱. حلبی، ابو صلاح، الکافی فی الفقه، اصفهان، نشر کتابخانه امیرالمؤمنین (ع)، ۱۴۰۳ ق.
۲۲. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۴۱۷ ق.
۲۳. مقداد سیوری، فاضل، کنزالعرفان، انتشارات حیدری، تهران، ۱۳۸۴.

سایت

۲۴. www.khamenei.ir/newspar

25. <https://www.tebyan.net>

